

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

# حَقُّوقِ زَن

از دیدگاه دین مقدس اسلام

نویسنده : غلام ربانی هدفمند  
تاریخ : 14 حوت 1389

## پیشگفتار

در جامعه عرب و غیر عرب قبل از اسلام ؛ خشونت های ایمان فرسا و خرد سوزی علیه زنان ثبت تاریخ شده است. خشونت های از قبیل :

- زنده به گور کردن دختران .
- خوار نگهداشتن دختران .
- محروم بودن زن از حق میراث.
- محروم کردن زنان از حق آموزش .
- محروم بودن زنان از حق عصمت نفس.
- به ارث بردن زنانی که شوهران شان را از دست می دادند.
- مرد حق داشت که زن خود را بفروشد و تمام اموال وی را اخذ نماید.
- سقوط اخلاقی زنان در جامعه عرب و غیر عرب. ... و غیره

طی ٴه سال گذشته حقوق زن یکی از موضوعات بحث برانگیز صاحبان اندیشه و خرد عرصه حقوق زن در افغانستان بوده است. مباحث مرتبط به حقوق زنان تا اندازه وسیعی مورد توجه بوده و تا حدودی برای بهبود وضعیت سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی زنان گام های هم برداشته شده است. طور مثال وزارت امور زنان در تشکیل کابینه حکومت ، حضور نمایندگان زن در پارلمان ، گسترش مکاتب دخترانه در سطح کشور و... از نمونه های بهبود وضعیت حقوق زن در افغانستان است .

فعالین حقوق زنان با تحقیق و بحث پیرامون حقوق زن در افغانستان به دلیل فراز ونشیب های بی شمار این مبحث ؛ به مطلوب نرسیده اند . زیرا بحث پیرامون حقوق زن در کشور جنگ زده مانند افغانستان به ظرفیت های زمانی بیشتری نیاز دارد ، اما به اندازه توانمندی های اجتماعی و اقتصادی و شرایط و اوضاع امنیتی کشور تلاش های انجام یافته که قابل قدر و مستحق اجر وپاداش است.

این نهاد ها طی ٴه سال گذشته در ولایت غور حضور خیلی کم رنگ داشته اند که ایجاب می نماید تلاش های لازم و پیگیری در عرصه حقوق زن در این ولایت صورت گیرد.

مؤسسه طلوع زن در این اواخر فعالیت های را پیرامون رشد استعداد ها و ظرفیت های زنان روی دست گرفته است. ایجاد کورس های آموزشی ، حرفوی و طرح مسابقه مقاله نویسی پیرامون «حقوق زن از دیدگاه اسلام» از جمله فعالیت های قابل قدر این مؤسسه است. محتوای این نوشته نسبت به اصطلاح «حقوق زن از دیدگاه اسلام» به دلیل ظرفیت زمانی اندک ، خیلی عاجز است ؛ اما منابعی که برای تهیه این مطالب مورد استفاده قرار گرفته است ، معتبر بوده و است که انشاءالله بار معنی این مطالب را تضمین می کند.

این نوشته طی چهار فصل ترتیب یافته است. هرچند موضوع برنامه صرفاً حقوق زن از دیدگاه دین مقدس اسلام بوده ، اما از اینکه دین مقدس اسلام عوامل خشونت علیه زنان را از جامعه عرب زدود و زنان را از زنده به گور کردن نجات داد . درحالیکه عوامل خشونت در جامعه

فعلی ما تقریباً همان عوامل بروز خشونت علیه زنان جامعه عرب قبل از اسلام است ، دین مقدس اسلام همزمان با عرض وجودش به اندیشه های عرب ها ریشه دوانید و تمام عوامل خشونت علیه زنان را از بین برد و جامعه عرب را انسانی ساخت ؛ ولی در جامعه ما که بیشتر از 99 فیصد مسلمان هستیم باز هم انواع و اقسام خشونت زیر جامعه اسلام تولید می شود . بناءً ایجاب می کرد که اولاً روی مشترکات زن و مرد ، سپس روی حقوق زن از دیدگاه دین مقدس اسلام ، بعداً روی عوامل بروز خشونت علیه زنان و در غایت به راه های پیشگیری خشونت علیه زنان مختصراً اشاراتی صورت گیرد تا در زمینه رسیدن به اهداف و آرمان های مدافعین مؤمن ، متعهد و مسلمان حقوق زن مؤثر واقع شود.

با احترام

غلام ربانی هدفمند

استاد دارالمعلمین عالی غور

## فهرست مطالب

### فصل اول

- 8 مشترکات زن و مرد از دیدگاه دین مقدس اسلام
- 8 1 - الف - خلقت زن و مرد
- 9 2 - ب - زن و مرد من حیث « انسان » مخاطب خدا (ج) اند
- 9 3 - ج - پاداش عمل زن و مرد

### فصل دوم

- 10 حقوق زن از دیدگاه اسلام
- 10 4- حق زندگی زن
- 10 5- حق حفظ کرامت انسانی
- 11 6- حق تعلیم و تربیه
- 12 7 - چند مثال از فعالیت های علمی زنان در عصر پیامبر (ص) و بعد از آن
- 12 8 - حق قانونی
- 13 9 - حق سیاسی
- 13 10 - حق قضاوت
- 14 11 - حق اختیار زن در انتخاب همسر و نکاح
- 15 12 - حق اخذ مهریه
- 16 13- حق نفقه زن بالای شوهرش
- 16 14 - حق اجتماعی زن
- 17 15 - حق شرکت زن در نماز های جماعت
- 18 16 - حق رأی زن
- 18 17 - حق شرکت زن در امور قانون گذاری
- 19 18 - حق شرکت زن در جنگ

- 20 - 19 - حق شهادت یا گواهی دادن زن
- 21 - حق اقتصادی ، مالی و ملکیت زن
- 21 - 20 - الف - مال و اقتصادی که زنان از طریق کار و زحمت به دست می آورند
- 21 - 21 - ب - مال و اقتصاد که زنان از طریق ارث به دست می آورند
- 23 - 22 - حق کار زن
- 23 - 23 - حق وصیت زن
- 24 - 23 - حق حضانت و سرپرستی طفل توسط زن

## فصل سوم

### خشونت علیه زن

- 24 - 24 - 1- خشونتی که از طرف خانواده، مستخدمین و کارمندان محل کار و اجتماع بالای زن  
تحمیل می گردد.
- 24 - 25 - الف - خشونت فیزیکی
- 24 - 26 - ب - خشونت های روانی
- 25 - 27 - 2- خشونتی که توسط خود زن با لایش تحمیل می گردد
- 25 - 28 - عوامل بروز خشونت علیه زنان
- 26 - 29 - بی سوادى زنان
- 26 - 30 - عدم درآمد و عاید زنان
- 26 - 31 - ضعف علمی مبلغین حقوق زن از حقوق انسانی و اسلامی زن
- 26 - 32 - محروم کردن زنان از حق اختیار در امر ازدواج
- 27 - 33 - تقلید زنان از برنامه های تلویزیونی غیر قابل تطبیق در جامعه
- 27 - 34 - تبلیغ عنعنات ضد دینی
- 27 - 35 - به ارث بردن زن که شوهرش مرده باشد

- 27 - 36 - خون بها دادن دختران
- 27 - 37 - محاکم صحرایی
- 28 - 38 - ازدواج های قبل از وقت
- 28 - 37 - تقلید مبلغین حقوق زن
- 28 - 38 - تسلط کلی مردان در امور مالی خانواده و جامعه
- 28 - 39 - تعدد ازواج
- 28 - 40 - عدم مجازات عناصر خشونت زا
- 29 - 41 - عدم ثبت ازدواج ها به محاکم
- 29 - 42 - پول جمع کردن مبلغین حقوق زن
- 29 - 43 - فعالیت های یکجانبه سربازان حقوق بشر
- 29 - 44 - برنامه های معیوب مدافعان حقوق زن
- 29 - 45 - پشت پازدن زنان به مسؤلیت های انسانی
- 30 - 46 - ایجاد مراکز ویژه (خانه امن) برای زنان فراری

## فصل چهارم

- 30 - راه حل های مشکلات حقوق زنان
- 30 - 47 - معرفی حقوق انسانی و اسلامی زنان برای زنان
- 30 - 48 - پابندی زنان مبلغ حقوق زن از تفکر تا عمل به اصول اخلاقی اسلام
- 30 - 49 - تعلیم و تربیه زنان
- 31 - 50 - تبلیغ علمای عالم
- 31 - 51 - حمایت قاطع نافذین قانون منع خشونت علیه زنان از حقوق زن
- 31 - 52 - ایجاد زمینه کار برای زنان
- 31 - 53 - گسترش حاکمیت عادل در سراسر کشور
- 31 - 54 - محاکمه علنی عاملین خشونت علیه زنان

- 32 55- جلوگیری از ازدواج های قبل از وقت
- 32 56- پیشگیری از « بد دادن دختران»
- 32 57 - جلوگیری از محاکم صحرایی
- 32 58 - ثبت ازدواج در محاکم
- 32 59 - پیشگیری از تعدد ازواج
- 33 60 – تأمین امنیت
- 34 16 – نتیجه گیری
- 35 17 – فهرست مأخذ

## فصل اول

## مشترکات زن و مرد از دیدگاه دین مقدس اسلام

زنان و مردان در خلقت باهم برابر اند. اعمال زنان و مردان ضد یکدیگر نه، بلکه مکمل و لازم و ملزوم یکدیگرند. حدوداً بیشتر از یک پنجم نفوس جهان را مسلمانان اعم از زن و مرد تشکیل می دهند. اگر آداب زندگی خانواده و جامعه را مسلمانان در قرآن کریم و سنت نبی کریم (ص) جستجو نمایند و سیرت پیامبر(ص) را سرمشق زندگی خود قرار دهند، به تمام مشکلات به ویژه در مباحثی چون «حقوق زن» به سهولت پاسخ داده می شود؛ زیرا زن و مرد از دیدگاه قرآن کریم و سنت پیامبر(ص) مشترکاتی دارند که نشان دهنده مساوات حقوقی آنها است. ذیلاً به چند مورد اشاره می شود که نشان دهنده مشترکات زن و مرد است:

## الف - خلقت زن و مرد از دیدگاه دین مقدس اسلام

خداوند(ج) در مورد خلقت زن و مرد می فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ  
سوره حجرات آیه (13)

«ای مردم شمارا از یک مرد و یک زن آفریدیم و شمارا جماعت ها و قبیله ها ساختیم؛ تایکدیگر را بشناسید. به تحقیق با عزت ترین شما نزد خداوند؛ پرهیزگارترین شما است»

از این آیه دانسته می شود که در خلقت انسان نه تنها که در مسایل جنسی تفاوت و امتیازی نیست؛ بلکه در تقسیم بندی های نژادی، زبانی و... کدام تفاوت و امتیاز ندارند؛ زیرا همه اینها برای آن است تا انسان ها یکدیگر خود را بشناسند.

ما خلقکم و لا بعثکم الا کنفس واحده ان الله سمیع بصیر ( )  
«شمارا نیافریدیم، مگر همچون یک جنس (یک جان) و در حقیقت خدای متعال شنوا و بینا است»



## ب - زن و مرد منحیث « انسان » مخاطب خداوند (ج) اند

شماری زیادی آیات قرآنکریم به جمله های : ( یاایهاالناس و یاایهاالذین آمنوا ) آغاز شده است که مرز بین زن و مرد را باطل نموده و همه را یکسان ؛ انسان و مؤمن خطاب نموده است . پس معلوم می شود که زن و مرد یکسان مورد خطاب خداوند (ج) قرار دارند و امتیاز در جنس وجود ندارد . زن و مرد در آیه های که پیام های ( حق و تکلیف ) فرد را « زن باشد یا مرد » در برابر نفسش ، جامعه و خدا (ج) تعیین می کند ، برابر اند ! . بنابراین زن و مرد یکسان حق و تکلیف دارند که بیآموزند ، کار کنند ، صحت خود را حفظ کنند ، حقوق دیگران را رعایت کنند ، خدا (ج) را عبادت کند و سعادت دنیا و آخرت را نصیب شوند .

## ج - پاداش عمل زن و مرد از دیدگاه دین مقدس اسلام

زن و مرد در برابر اعمال بندگی خود از خداوند (ج) انتظار پاداش دارند که حق است . خداوند (ج) بین پاداش مرد و زن هیچگونه فرقی راقایل نشده است . هر انسان چه مرد باشد چه زن نتیجه عمل خویش را در میابد . خداوند (ج) در این مورد می فرماید:

فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُكُم مِّنْ بَعْضِ الْآيَةِ  
سوره آل عمران آیه (195)

« پس قبول کرد دعای شان را پروردگار شان. من عمل هیچ عمل کننده شما را چه مرد باشد چه زن ، ضایع نمی کنم»

همچنان خداوند (ج) می فرماید:

وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا  
سوره نسا آیه (124)

« و هرکس از شما کار های شایسته انجام دهد ، مرد باشد یا زن ؛ و او مؤمن باشد ؛ پس آنها در بهشت داخل می شوند و به حق آنها به اندازه «نقییر» (چیز کم ارزش) هم ظلم نمی شود .

دیده شد ، همان قسم که انسان ها در خلقت با هم برابر اند ؛ هیچ تفاوت بین مرد و زن ، سیاه و سفید ، عرب و عجم و ... وجود ندارد . همان قسم در حقوق معنوی ، دست مزد و یا نتیجه عمل نزد خداوند (ج) با هم برابر اند ؛ مرد بودن امتیاز نیست و موجب گرفتن حق بیشتر از خداوند نمی تواند باشد .

## فصل دوم :

### حقوق زن از دیدگاه دین مقدس اسلام

مبحث (حقوق زن) هم پایه تاریخ زندگی انسان است و در هر برهه تاریخ منازعات فکری آفریده است. مکتب های فکری و نهاد های حقوقی مطابق خواست ها و منافع گروهی و حزبی خود در باب حقوق زن دیدگاه های متفاوت ارائه کرده اند که موجب مشغله های فکری بزرگ در جوامع بشری شده است.

جوامع اسلامی از این امر مستثنی نیستند. زد و بند های فکری و منازعات مطبوعاتی در کشور افغانستان به اصطلاح بعد از جنگ بیشتر از هر کشور اسلامی دیگر محسوس است. اما دیدگاه دین مقدس اسلام با نظریات دینی افرادی که نخوانده به پاره اندیشه های شخصی خود جامعه اسلام می پوشند ، متفاوت است ؛ زیرا دین مقدس اسلام برای زنان حقوقی قایل شده است که کمتر از حقوق مردان نه؛ بلکه مساوی به آن است. به باور من باید از دیدگاه های شخصی افراد پا فراتر نهمیم و حقوق زن را در قرآن کریم و سنت پیامبر(ص) تحقیق و جستجو نماییم ، در آن صورت مشکل باقی نخواهد ماند .

### حق زندگی زن از دیدگاه دین مقدس اسلام

دین مقدس اسلام هم زمان با عرض وجودش در سرزمین عرب ، زنان را از زنده به گور کردن نجات داد ؛ زیرا در آن زمان عرب ها تولد دختر در خانه های خود را عیب می پنداشتند و آنرا همزمان با تولدش یا زنده به گور می کردند و یا هم به خواری نگه می داشتند ، در جوامع غیر عرب نیز زن را موجود ناشایسته و غیر قابل احترام تعریف می کردند . این ظلم و استبداد ، جهالت و بدبختی عرب و غیر عرب همزمان با بعثت پیامبر(ص) از جوامع که به حقیقت اسلام ایمان آوردند ؛ رخت سفر بست و به زنان « حق حیات» داده شد تا مثل مردان به زندگی با عزت خود ادامه داده و با ادای تکالیف اسلامی خویش رضای خداوند(ج) را حاصل و سعادت دارین را نصیب شود. تساوی حق مرد و زن به استثنای موارد خاص در آیات معتد و احادیث صحیح پیامبر(ص) ثابت شده است.

### حق حفظ کرامت زن از دیدگاه دین مقدس اسلام

دین مقدس اسلام زن را از زنده به گور کردن نجات داد و به او حق داد تا به زندگی با عزت و کرامت خود ادامه دهد. خداوند(ج) فرموده است:

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ  
عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا

سوره اسرا آیه 70

« به تحقیق که برای فرزندان آدم(ع) عزت دادیم و بر داشتیم ایشان را در خشکه «بیابان» و دریا و از طیبیات «غذاهای پاک» برای شان روزی دادیم و ایشان از همه آنچه خلق کرده ام ؛ برتری دادیم ، برتری دادنی !!»  
 آیه فوق کرامت را به بنی آدم (فرزندان آدم) نسبت داده است. تمام انسان ها ؛ اعم از زن و مرد ، مسلمان و کافر ، بدانند یا ندانند ، بپذیرند یا نپذیرند ، از این نعمت خداوند(ج) بهره مند هستند .

بناءً ظلم و استبداد ، تجاوز و بی رحمی یی که به حق زنان در افغانستان یا کشوری دیگر زیر عنوان فرمان و فتوای طالب یا مرجع دیگری صورت می گیرد ؛ هیچگونه بنیاد دینی و اسلامی نداشته و مطابق متن صریح قرآن کریم حرام قطعی است .

## حق تعلیم و تربیه زن از دیدگاه دین مقدس اسلام

خداوند(ج) پیش از همه چیز پیامبر(ص) را امر به « اِقرأ » ( خواندن) می کند :  
**اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ( 1 ) خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ( 2 ) اِقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ( 3 )**  
**الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ( 4 ) عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ( 5 )**  
 سوره اقرآ آیه های 1-5

« بخوان به نام پروردگارت که آفرید ، آفرید آدمی را از خون بسته . بخوان پروردگار تو برزگوارتر است ، آنکه علم آموخت به وسیله قلم ، و آموخت به انسان آنچه را نمی دانست »  
 دیده می شود که تعلیم و تربیه در اسلام از اهمیت و ارزش خیلی بلند برخوردار است ؛ زیرا پیامبر(ص) پیش از اینکه به نماز و روزه و زکات ... مأمور و مکلف شود ؛ حق و تکلیف تعلیم و تربیه برایش داده شد. در آیه پنجم خداوند(ج) گفته است : (عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ) « به انسان علم آموخت آنچه را که نمی دانست» کلمه «انسان» شامل زن و مرد می شود . پیامبر(ص) پدران و مادران را در آموزش دختران شان مسؤل عنوان نموده ؛ بعد از ازدواج ، این تکلیف را به دوش شوهر زن گذاشته است. در صورتی که شوهر از نعمت سواد بهره مند نباشد و همسرش علاقمند آموزش باشد ، شوهر مکلف است تا زمینه آموزش را برای همسر علاقمند آموزش و تحصیل خود آماده سازد. در عصر حیات پیامبر(ص) تعداد زیاد اصحاب (طبقة اناث) علاقه آموزش و درس خواندن را داشتند و روزی به پیامبر(ص) پیشنهاد کردند تا برای شان وقت را معین نماید تا ایشان از نعمت سواد بهره مند شوند ، پیامبر(ص) پیشنهاد آنها را پذیرفت و به آنها درس داد.

## چند مثال از فعالیت های علمی زنان در عصر پیامبر(ص).

ام المومنین عایشه (رض) احادیث بسیار زیادی را از پیامبر(ص) روایت کرده است. عایشه (رض) همسر گرامی پیامبر (ص) عالم و معلم بود. برای اصحاب تفسیر قرآن، فرایض، معاملات، جایز و ناجایز حتی روانشناسی، طبابت متعلق به همان عصر را تعلیم می داد. هر چهار خلیفه اسلام در مسایل مهم با او مشورت می کردند.

امام ابن حجر عسقلانی (رض) روایت کرده است که، ام المومنین ام سلمه (رض) دارای مقام علمی بالایی بوده که 32 عالم را تربیه و به جامعه تقدیم نموده بود.

امام نووی (رض) روایت کرده است که ام المومنین صفیه (رض) در علم فقه ملکه و استعداد خاص داشت.

پیامبر بزرگ اسلام در زمینه آموزش زنان می فرماید: «هرکس سه دختر یا سه خواهر داشته باشد و آنها را تعلیم بدهد و ادب بیاموزد و در آنان پروای خداوند تعالی را داشته باشد؛ بهشت بر او واجب می شود»

همچنان هر گاهی افراد با سواد دشمن، در غزوات و جنگ ها اسیر می شدند، مطابق هدایت، شعار و عمل پیامبر اسلام «ده» نفر اطفال مسلمان اعم از دختر و پسر را درس می داد و سواد می آموخت، بعداً رها می شد. هدف این است که در آموزش عصر پیامبر اسلام بین پسر و دختر تفاوت وجود نداشت. همچنان پیامبر اسلام (ص) می فرماید: «طلب العلم فریضة علی کل مسلم» (آموختن علم برای «مسلم» فرض است.) علمای علم حدیث گفته اند؛ کلمه «مسلم» شامل مرد و زن می شود.

## حق قانونی زن از دیدگاه دین مقدس اسلام

دین مقدس اسلام حقوق قانونی را بنا گذاشته است. رضایت زن در عقد نکاح، رضایت زن در شیر دادن به طفل و... شرط است. اگر مردی، زنی را به قتل برساند جزای برای مرد قاتل داده می شود، مثلی که مردی را قتل کرده باشد. یعنی خون مرد با ارزشتر از خون زن در اسلام نیست بلکه هر دو مساویانه محترم است. در باب قصاص خداوند(ج) می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ  
وَالْأَنْثَى بِالْأُنْثَى فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءُ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ  
ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنْ اعْتَدَى بِعَدْوِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ سورة بقره آیه 178

«ای انسانهای که ایمان آورده اید، لازم کرده شد بر شما قصاص در کشتن، آزاد در مقابل آزاد، بنده در مقابل بنده و زن در مقابل زن، پس کسی که در گذشته شد از او چیزی را از

خون برادرش ؛ پس حکم او پیروی کردن است به نیکویی و رسانیدن خون بهاست به وی به خوش خویی این حکم سبک کردن است از پروردگاشما و مهربانی است پس هر که از حد گذرد بعد از این برایش عذاب درد ناک است .».

قاتل چه زن باشد چه مرد ، قصاص می شود. همچنان مقتول چه زن باشد چه مرد ، حکم و فیصله اسلام در باب جزای قاتل تغییر نمی کند و قاتل قصاص می شود. همچنان در جزا بین زن و مرد فرقی نیست. بریدن دست سارق و درّه زدن زانی از جمله جزا های است که بالای مرتکب عمل برابر است که مرد باشد یا زن بدون تفاوت تطبیق می شود.

## حق سیاسی زن از دیدگاه دین مقدس اسلام

در صدر اسلام زنان در مجالس ، محافل و مسایل سیاسی شرکت داشتند و آزادانه نظریات و طرح های خویش را در تمام مسایل بدون ترس و حراس با جرأت اخلاقی کامل بیان می کردند. خداوند (ج) در مورد فرموده است:

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

سوره توبه آیه 71

« و مردان مومن و زنان مومن ، بعض شان دوستان بعض دیگر شان استند . یکدیگر خود را به کار های نیک و پسندیده امر می کنند و « یکدیگر خود را» از کارهای ناپسند منع می نمایند. نماز را برپا می کنند و زکات را می دهند و خداوند (ج) و رسول او را اطاعت می کنند. آنها کسانی اند که مورد رحمت خداوند(ج) قرار می گیرند ، به تحقیق که خداوند(ج) غالب و درست کار است.

امر به معروف و نهی از منکر که شامل همه ابعاد زندگی انسان ها در خانه ، محل کار و اجتماع می شود ، در این آیه کریمه به عنوان حق و تکلیف برای زنان و مردان صراحتاً تذکر یافته است ، بناءً حق مسلم زنان است که در اجتماعات حضور یابند و بندگی خویش را در برابر خدا(ج) ادا نمایند و در بدل بذل مساعی و صرف انعام الهی در راه خدا ؛ رضایت خدا(ج) را حاصل نمایند.

## حق قضاوت زن از دیدگاه دین مقدس اسلام

امام ابوحنیفه(رح) می گوید « در مواردی که شهادت زنان صحت دارد ، قضاوت آنها نیز صحت دارد .» .  
طبری و ابن حزم می گویند: « قضاوت زنان در همه امور اقتصادی ، سیاسی ، اجتماعی ، جنائی و ... صحت دارد .»

## حق اختیار زن در انتخاب همسر و نکاح از دیدگاه دین مقدس اسلام

زنان و مردان دو طرف مساوی در تشکیل خانواده اند که اگر یکی راضی و دیگری ناراض باشد یا یکی عادل و دیگری ظالم باشد، بار تشکیل خانواده به سرمنزل مقصود نمی رسد و نظام خانواده فاسد گردیده در نهایت از بین می رود. خداوند (ج) در این مورد می فرماید:

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً  
 إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

سوره روم آیه 21

« از نشانه های وجود خداوند (ج) این است که ازواج شما را از جنس خودتان خلق کرد تا به ایشان آرام گیرید و میان شما دوستی و محبت پیدا کرد. به تحقیق برای آنانکه صاحب تفکر و اندیشه اند، در این نظام نشانه های وجود خدا (ج) است »

سکون و آرامش روح و قلب محصول ازدواج است که طرفین عقد نکاح (زن و مرد) راضی باشند؛ زیرا جبر و اکراه نظام خانواده را فاسد می کند. در ازدواجی که به اثر جبر و اکراه به وجود آمده باشد، آرامش روحی وجود ندارد. علاوه به آن باعث از بین رفتن خوشی های دنیوی و اخروی می گردد؛ زیرا نکاحی که اساس و بنیادش را جبر و اکراه تشکیل داده باشد، همانگونه که برای طرفین عقد در دنیا سرگردانی می آفریند، ازین بابت که مورد پسند خداوند (ج) نیست؛ شخص زورگو و جبار در آخرت نیز مورد عتاب قرار می گیرد.

خداوند (ج) نکاح را پیوند مقدس دانسته و می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتَبُوا النِّسَاءَ كَرَاهًا وَلَا تَعْضَلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَمَعْسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا

سوره نساء آیه 19

« ای مؤمنان حلال نیست برای شما که زنان را به زور به میراث گیرید و ایشان ناخوشنود باشند و منع کنید ایشان را تا به دست آرید بعضی آنچه برای شان داده اید، مگر اینکه ایشان مرتکب گناه آشکار شوند (میتوان ایذا داد) و زندگی کنید با زنان به وجه احسن و نیکو و اگر بد رفتاری کنید؛ شاید چیزی را خوش نداشته باشید و خداوند (ج) در آن خیرکثیر در آن قرار داده باشد.»

پیامبر (ص) در حدیث ذیل انتخاب آزادانه در نکاح را موجب دوام سعادت و نیکی در خانواده دانسته است: ( عن مغیره بن شعبه (رض) قال آتیت النبى (ص) فذکرت له امرأةً اخطبها ، فقال اذهب فانظر اليها فإنه اجدر ان يودم بينكما ) رواه بخارى (رح)

احادیث صحیح از پیامبر(ص) روایت شده است که ازدواج دختر بدون رضا و اجازه وی روا نیست :

پیامبر(ص) فرموده است: « لاتنکح البکر حتی تستأذن » قالوا وكيف إذن؟ قال: « ان تسکت البکر تستأذن فی نفسها و إذنھا صمتھا » ؛ « الثیب احق بنفسھا و البکر ستأذنھا ابوها »  
 « دختر باکره به ازدواج کسی در نمی آید ؛ تا وقتی که رضایتش گرفته نشود . اصحاب گفتند: چگونه رضایت می دهد» شرم حیای دختر باکره سبب عدم رضایت او می شود» پیامبر(ص) فرمود: سکوت دختر باکره دلیل رضایت او است ، از دختر در خواست إذن و اجازه می شود ، سکوتش نشان دهنده رضایت او است . نظر زن بیوه در مورد ازدواج مقدم است بر نظر ولی و سر پرستش و پدر دختر باید در مورد ازدواج دخترش إذن دخترش را بگیرد.

در نصوص فوق دیده می شود که کار برد اکراه و جبر در امر نکاح بالای زنان حرام قطعی است ؛ زیرا از یک طرف حرمت کاربرد اکراه در نکاح زنانی که به ارث برده می شوند در نص صریح آیات فوق ، مشهود است. در بُعد دیگر این نصوص مسأله « محبت » به اثر نکاح بین زوجین ثابت شده است. ایجاد محبت به رضایت طرفین نکاح «زوجین» مشروط و منوط است ؛ زیرا فطرت انسان قبول نمی کند که «محبت» از طریق اکراه و جبر به دست آید .

قرآن ، همچنان که زن را مایع آرامش مرد معرفی نموده در مقابل، مرد را نیز سبب آرامش زن تعریف نموده و موضوع را به گونه ای مطرح نموده که با وجود نیاز زن و مرد برای ادامه حیات به یکدیگر ؛ هیچ کدام آنها را طفیلی یکدیگر معرفی نکرده ؛ بلکه استقلال هر کدام را مورد توجه قرار داده است . به هیچ یکی از طرفین اجازه جبر و اکراه را در هیچ امری به ویژه در امر نکاح نداده است؛ زیرا شخص تحمیلی به عنوان طرف عقد ازدواج به هیچ صورت نمی تواند مایه آرامش روح طرف مقابل باشد .

### حق اخذ مهریه زن از دیدگاه دین مقدس اسلام

دین مقدس اسلام برای زن حق اختیار مهریه اش را داده است ؛ زن اختیار دارد که مهریه خویش را از شوهر خود بگیرد ، سپس مختار است که آنرا خودش مصرف کند ، یا به پدر خود بدهد و یا به شوهر خود بخشش کند. خداوند(ج) فرموده است :

وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً

سوره نسا آیه 4

« مهریه های زنان را برای شان به خوشی بدهید»

بناء اخذ مهریه دختران که توسط پدران و برادران بدون رضا و رغبت دختران صورت می گیرد ؛ پایه و اساس شرعی ندارد و حلال نیست؛ زیرا کلمه « اتوا» ( بدهید) امر است و امر افاده وجوب را می کند. پس بالای پدر یا برادر و یا شوهر دختر، واجب است که اختیار تصمیم گیری مهریه دختران را برای خودشان بدهند و از آیات خدا(ج) سرکشی نکنند.

## حق نفقه زن بالای شوهرش از دیدگاه دین مقدس اسلام

بعد از نکاح ، تأمین نفقه و اسباب معیشت زنان به صورت کامل به دوش شوهران شان است . خداوند(ج) در این زمینه فرموده است :

وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ      الْآيَةُ سُورَةُ بَقَرَةَ آيَةُ 233

« و بر پدر طفل مصارف خوراک و لباس مادران(مقرر)است به طریقه نیک.»

بناءً: مردان حق ندارند که زنان را مجبور نمایند که کارکنند و آنها را اجباراً در تأمین نفقه سهیم نمایند؛ زیرا کار کردن زنان حق زنان است. در صورت حفظ کرامت و عزت انسانی شان می توانند از آن استفاده نمایند .

## حق اجتماعی زن از دیدگاه دین مقدس اسلام

دین مقدس اسلام زنان را از زنده به گور کردن نجات داده است و برای مادر ، دختر ، خانم ، خواهر و ... حقوق مشخص و خاص قایل شده است . برای مادر به حدی حق داده است که می گوید «جنت زیر پای مادران است » خداوند(ج) بعد از عبادت خود، احترام به والدین به خصوص احترام به مادر را بار ها در قرآن کریم یاد آوری کرده است .

خداوند (ج) در مورد شوهری که زن خود را دوست نداشته باشد او را به سیرت نیک مکلف می ساز و می فرماید:

وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا  
سوره نسا آیه (19)

«با زنان به وجه احسن زندگی کنید ، اگر با آنان رفتار ناپسند کنید ، شاید که شما چیزی را دوست نداشته باشید ، و خداوند (ج) به آن خیر کثیر قرار داده باشد.»

در آیه فوق جمله « عاشروهن » امر است ، امر افاده وجوب را می کند . بناءً بالای مرد ها فرض است که با زن ها در همه امور زندگی رفتار نیک و پسندیده کنند ، در صورت رفتار ناپسند از حکم خداوند(ج) گردن کشی نموده و مورد خشم و غضب خداوند(ج) قرار می گیرند.

بناءً زنان از نظر حقوق فردی و اجتماعی مانند مردان اند . می توانند به کسب و کار و تحصیلات پرداخته امر به معروف و نهی از منکر کنند ؛ زیرا مردان هیچگونه حق ممانعت را در انجام امور فوق ندارند . از نظر حقوق قضایی زن به کاملترین صورت تحت پوشش مراجع قضایی می باشند ؛ هر گاه در حق شان ظلم شود ، می توانند طرح شکایت بر علیه پدر، برادر، شوهر و



هر ظالم و تجاوزگری را نموده ؛ خواستار اجرای قصاص، حدود، تعزیرات و جبران خسارات شوند.

## حق شرکت زن در نماز های جماعت از دیدگاه دین مقدس اسلام

در صدر اسلام زنان به نماز های فرض ، نماز های عید و نماز های جمعه شرکت می کردند. دلایل زیادی در مورد شرکت زنان در جماعت وجود دارد .

از عبدالله ابن عمر (رض) روایت است :

عن عبدالله ابن عمر (رض) قال قال النبی (ص) إذا استأذنت امرأة احدکم الى المسجد فلا یمنعها . متفق علیه « زمانی که زنان شما عرض رفتن به مسجد از شما کسب اجازه نمایند ؛ آنان را منع نکنید»

عن زینب امرأة عبدالله ابن مسعود قالت قال لئن رسول الله (ص) إذا شهدت احدکن المسجد فلا تمسّ طیباً . رواه مسلم  
« زمانی که شما به مسجد حاضر می شوید ، از عطر استفاده نکنید»

در عصر حاضر عده استدلال می کنند که حضور زنان در مساجد احتمالاً فتنه ای را در پی داشته باشد ، درحالی که باب مراجع و مکان های دیگری که حفظ مصونیت در آنجا کمتر متصور است ، به روی زنان باز است .

بنابراین ایجاب می کند که به خاطر یک خطر احتمالی ، سنت پیامبر (ص) را که دلایل مؤثق و احادیث متفق علیه در زمینه وجود دارد و در عصر حاضر از جمله نیازمندی ها و ضروریات اولیه به حساب می آید ترک نکرده ، باب مساجد را به عنوان روزنه های طهارت آفرین و صلابت زا، در اندیشه های نازنین مادران ، خواهران و دختران مؤمن و مسلمان باز گذاریم تا از مکتب دیرپای پیامبر (ص) استفاده های نیک و مؤثر نموده و با استفاده از حقوق اخلاقی – دینی خویش بیدارگری بیاموزند و دین خویش را که عبارت از دعوت در برابر نیمی از پیکر امت با عزت و عظمت پیامبر (ص) است اداء نمایند.

## حق رای زن از دیدگاه دین مقدس اسلام

قرآن کریم برای زنان در امور خانواده ، مسایل اجتماعی و سیاسی و غیره حق داده است. زنان در صدر اسلام نزد پیامبر(ص) می رفتند ، با وی تعهد می کردند و در امور و مسؤلیت های خویش از وی رهنمایی و مشورت می خواستند . الله (ج) فرموده است :

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْنَهُنَّ وَأَسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ  
سوره ممتحنه آیه (12)

« ای پیامبر(ص) زمانی که زنان مسلمان نزد تو بیایند و با تو بیعت کنند ( مبنی بر اینکه بعد از بیعت ) هیچ چیزی را به خدا شریک نسازند ، سرقت نکنند ، زنا نکنند ، اولاد خود را نکشند ، حرف دروغین را تبلیغ نکنند که در بین دست ها و پاهاى خود ساخته باشند و در اوامر و کارهای نیک سرکشی و عصیان ترا نکنند ؛ پس باایشان بیعت کن ! و از خداوند ( ج ) برای شان طلب مغفرت کن به تحقیق که خداوند ج غفور و رحیم است»

زن در مسایل سرمایه داری شخصیتی مستقل مانند مرد می باشد و نه تنها در مسایل سرمایه و اجتماعی خود، دارای حق است؛ بلکه در برخی موارد مانند مردان، دارای تکلیف نیز می باشد. چنانچه از آیه فوق دانسته می شود ؛ برای زنان بعد از بیعت با پیامبر(ص) وظایف و مسؤلیت های سنگین داده شد و زنان متعهد با بذل تمام توانمندی های خویش به تعهدات خویش ایماناً عمل نمودند. با توجه به آیه فوق اصولاً با حفظ حرمت و رعایت عفت، هیچ گونه محدودیتی برای شرکت زنان در فعالیتهای سرمایه وجود ندارد..

## حق شرکت زن در امور قانون گذاری از دیدگاه دین مقدس اسلام

در صدر اسلام وضعیت حقوق بشری و سلوک های اجتماعی خیلی انسانی بوده است. در آن عصر زنان در مجالس نظریات خویش را در امور قانون گذاری به صورت آزادانه ابراز می نمودند و حضور فعال زنان در امور قانون گذاری کدام کراهیت نداشته است . در حدیث مشهوری روایت شده است که حضرت عمر(رض) برای زیادت مهر حد و اندازه معین در یک مجلس تقدیم کرد. یک صحابیة ( صحابه از طبقه اناث) در مقابل گفت : « زمانی که قرآن کریم اندازه معین را در مهر مقرر نکرده باشد پس تعیین حد و اندازه در مهر معنی ندارد !! آیه ذیل را استدلال کرد:

وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَّكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا  
اتَّخِذُوهُ بُهْتَانًا وَإِنَّمَا مَبِينًا  
سوره نسا آیه (20)

« اگر بخواهید تبدیل کنید زنی را به جای زن دیگری و برای یکی آنها مال زیا داده باشید ( یعنی مال بسیار در مهر داده باشید) از آن مال چیزی را نگیرید! ».

حضرت عمر (رض) با شنیدن نظر و دلیل همان صحابه رأی خود را پس گرفت و فرمود: « این زن راست می گوید »

دیده می شود که حق ابراز نظر زنان در امور قانونگذاری محفوظ بود. زنان با علم و توانمندی ها و منطقی که داشتند در برابر خلیفه های بزرگ اسلام استدلال می نمودند و در مسایلی مثل مسأله فوق قناعت شان را فراهم می نمودند.

## حق شرکت زن در جنگ از دیدگاه دین مقدس اسلام

زنان در عصر نبی کریم (ص) به میدان های جنگ شرکت نموده اند. نمونه های خدمت های زنان در جنگ های صدر اسلام در کتاب صحیح البخاری طی یک باب مشخص، بحث شده است. در صحیح البخاری احادیث متعددی روایت شده است که زنان در میدان های جنگ صدر اسلام برای مردان آب می رسانیده اند و زخم های مجروحین را تداوی کرده اند. حدیث صحیحی وجود دارد که کفار در غزوه احد از چهار سمت به طرف پیامبر (ص) تیر اندازی کردند، نصیبه (رض) زن مسلمان و صحابه پیامبر (ص) از جمله اصحابی بود که غرض حفاظت و دفاع از پیامبر (ص) خود را سپر قرار داد.

در قرآن کریم بیان شده است که مردان محافظ زنان اند. در حالات معمولی ضرور نیست که زنان در میدان های جنگ شرکت کنند، چون وظایف و امور دیگری وجود دارد که متعلق به زنان است که باید انجام یابد، اما در حالات اضطراری، اسلام به زنان اجازه داده تا به هدف دفاع از خود، خانواده و سرزمین و متعلقین خود به میدان های جنگ بروند.

در غزوه حنین گروهی از دختران مدینه منوره خواستند به جنگ شرکت کنند (حنین منطقه که بین جده و مکه موقعیت دارد) به خاطر شرکت در غزوه حنین باید 600 – 700 کیلومتر راه را تا مکه مکرمه بروند و به جنگی که ماه ها طول می کشد اشتراک کنند. این دختران 10 – 15 نفر بودند و از جمله دختران 9 – 10 – 11 ساله مدینه منوره بودند. آنها نزد پیامبر (ص) آمدند و پیشنهاد کردند که ما را به عنوان خدمت کار و پرستار به غزوه حنین ببرید!

پیامبر (ص) پیشنهاد آنها را قبول کرد و همه آنها را به عنوان گروه پرستار به غزوه حنین برد.

مسجد النبی در مدینه منوره یک پایگاه اجتماعی بود. در هر گوشه آن فعالیتی جریان داشت. در یک گوشه این مسجد خیمه «رفیده» بود، رفیده زنی که به دستور پیامبر (ص) و در مسجد پیامبر (ص) مسؤل مداوا و بستر کردن مجروحین و مریضان بود.

با در نظر آنچه تذکر داده شد؛ هر زنی که حقوق انسانی و اسلامی خود را بشناسد، در حقیقت بهترین عنصر دفاع از حق خود و اطرافیان خود و بهترین مبارز علیه بیدادگری ها

خواهد بود و در برابر تبلیغات منحرف کننده عرض وجود می کند و سعادت و نیک بختی را برای زنان و جامعه خود به ارمغان می آورد.

## حق شهادت یا گواهی دادن زن از دیدگاه اسلام

در اسلام برای زنان حق شهادت یا گواهی دادن ، داده شده است. موضوع شهادت دو زن به جای یک مرد در معاملات و موارد خاص است نه در همه امور . خداوند (ج) می فرماید:

(وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رَجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكَّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى سوره بقره آیه 282

دو نفر از مردان خویش را شاهد بگیرید ، اگر دو مرد نبود ، پس شهادت یک مرد و دو زن کافی است. زنانی که از شهادت ایشان رضایت داشته باشید. اگر یکی از آن زن ها فراموش کرد ، یک دیگر به یادش بدهد.

در بیشتر از پنج جای قرآن کریم مسأله شهادت بدون ذکر جنس آمده است ، یعنی در این موارد شهادت مرد و زن مساوی بوده ؛ کدام تفاوت و امتیاز بین شهادت مرد و زن وجود ندارد .  
الله (ج) فرموده است :

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذُوَا عَدْلٍ مِّنْكُمْ أَوْ آخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ الْمَوْتِ تَحْسَبُونَهُمَا مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنْ ارْتَبْتُمْ لَا نَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ اللَّهِ إِيَّا إِنْ لَمِنَ الْإِثْمِينَ سوره مائده آیه (106)

« ای مؤمنان وقتی که مرگ یکی شما فرا رسد، نصاب شهادت ، در وقت وصیت ، دو نفر عادل شما است ، یا دو نفر عادل غیر شما. اگر در زمین سفر داشتید و به شما مصیبت موت رسید و به شاهدان شک داشتید ؛ آنان را بعد از نماز عصر به الله قسم بدهید مبنی بر اینکه سوگند به الله را به ثمن یا بهای دنیا نمی فروشیم ، اگرچه کسی که به نفع او شهادت می دهیم از اقارب ما باشد و همچنان شهادت به خدا را کتمان (پت) نمی کنیم، در صورتی که کتمان شهادت کنیم از جمله گناه کاران هستیم »

نظر مفسرین این است که در مسأله قتل ، شهادت مشکل است ؛ اما در مورد وصیت شهادت دادن دو زن با شهادت یک مرد برابر است .

## حق اقتصادی و مالی زن از دیدگاه دین مقدس اسلام

حقوق مالی و اقتصادی زنان به دو دسته ذیل تقسیم شده است :

### الف – مال و اقتصادی که زنان از طریق کار و زحمت به دست می آورند

همچنانکه زن در قرآن دارای حقوق سیاسی و اجتماعی بوده ، ارزش و شخصیت او مستقل می باشد، درمسائل مالی و اقتصادی نیز دارای حقوق مستقل است. حقوق مالی و اقتصادی زنان در آیات قرآن کریم ثابت است . خداوند(ج) می فرماید:

وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا

آیة 32 سوره نساء

« آرزو نکنید مرتبه که برآن برتری داده خداوند بعضی را بر بعض شما ، برای مردان از آنچه کسب کرده اند بهره ای است و برای زنان از آنچه کسب کرده اند بهره ای است از فضل و کرم و از بخشایش خداوند(ج) طلب کنید به تحقیق که خداوند به همه چیز دانا است »

طبق این آیه ، انواع حقوق مالی و اقتصادی زنان بلامانع معرفی و بطلان شده است . زنان مومن و مسلمان مالک در آمد و سرمایه خویش می باشند. هیچ کس صلاحیت سلب حقوق مالی و اقتصادی آنها را ندارد. در آیات متعددی استقلال مالی شان به رسمیت شناخته شده است . خداوند(ج) می فرماید:

إِنَّ الْمُصَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ

سوره حدید(18)

« مردان و زنانی که خیرات می دهند، به تحقیق که به خداوند قرض نیک داده اند ؛ خداوند قرض آنها را دو چند می دهد و برای شان مزد گرامی می دهد »

با توجه به آیه فوق که مردان و زنان استقلال مالی دارند و هیچ یکی بدون رضا و اجازه، حق تصرف در اموال دیگر را ندارد.

### ب – مال و اقتصادی که زنان از طریق ارث به دست می آورند

از دیدگاه دین مقدس اسلام ، زن دارای حق ارث است. درآیه ذیل حقوق دختر و مادر به چندین صورت حقوقی طور واضح و آشکار بیان شده است ( هرچند از حقوق ذکور هم تذکر رفته است ( خداوند(ج) می فرماید:

يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ تُلُوتَا مَا تَرَكَ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ التُّلُوتُ فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفَعًا فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ إِنْ اللَّهُ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا. سورة نساء آية (11)

« خداوند به شما در باره فرزندان تان سفارش می کند که برای پسران دوچند دختران قائل شوید. اگر فرزندان میت ، منحصرأً دو دختر یا بیشتر باشند دو ثلث مال متروکه از آنهاست ؛ اما اگر تنها یک دختر بوده باشد، نصف مجموع مال متروکه را مستحق می شود ، اگر شخص متوفی فرزند ، یا فرزندی داشته باشد در این صورت برای پدر و مادر او یک ششم حصه میراث است. اگر شخص متوفی فرزند یا فرزندی نداشت و وارثین او تنها پدر و مادرش بودند ؛ برای مادرش یک سوم مجموع مال متروکه است و بقیه آن حق پدر میت ، در صورتی که شخص متوفی برادران اعیانی یا اخیافی داشته باشد، در این صورت سهم مادر یک ششم متروکه است ، (تمام حقوق مستحقین که در فوق ذکر شد) بعد از ادای وصیته است که میت کرده است و بعد از ادای دین یا دیون که به دوش میت بوده است. شما نمی دانید که پدران و فرزندان تان کدام یک بیشتر به نفع شما هستند این قانونی است که از طرف خدا فرض و واجب شده و او دانا و حکیم است »

درآیه ذیل حقوق ارثی « زن ، خواهر » و برادر اخیافی را به چندین حالت حقوقی خداوند (ج) چنین بیان می دارد :

وَلَهُنَّ الرُّبُعُ مِمَّا تَرَكَنَّ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمُ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمُ وَلَدٌ فَلَهُنَّ التَّمَنُّ مِمَّا تَرَكَنَّ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورِثُ كِلَالَةً أَوْ امْرَأَةٌ وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي التُّلُوتِ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصَى بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرِ مُضَارٍّ وَصِيَّةً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ. سورة نساء آية (12)

« برای زنان شما یک چهارم حصه مال متروکه است ، در صورتی که شما اولاد نداشته باشید و اگر که اولاد داشته باشید زنان شما یک هشتم حصه مال متروک را مستحق می شوند، بعد از ادای وصیته که کرده اید و ادای دین که به دوش شما است. اگر مردی از دنیا برود و برادران و خواهرانی از او میراث ببرند ، یا زنی از دنیا برود و برادر و یا خواهری داشته هریک از آنها یک ششم حصه مال را به ارث می برند ، اما اگر بیش از یک نفر باشند ثلث مال متروک را دربین خود مساویانه تقسیم می کنند ، این بعد از ادای وصیت و جدا کردن دیون از مال متروکه است. » در مورد آیاتی که حق ارث زنان را آشکار می سازد، صاحب تفسیر نمونه نوشته است که: « تأکید روی ارث بردن دختران و مبارزه با سنتهای جاهلی است که آنها را به کلی محروم می کردند. »

معلوم می شود که قبل از اسلام در جامعه عرب و غیر عرب زنان از حق ارث محروم بوده اند. همزمان با آمدن دین مقدس اسلام حق میراث زنان اعاده شد و با حمایت « حقوق مالی » زنان در جوامع بشری ، جلو افراد حق ناشناس و ظالم گرفته شد و انسانیت در سرزمین های اسلامی تحکیم شد.

## حق کار زن از دیدگاه دین مقدس اسلام

قرآن کریم زن را دارای حق کارتعریف می کند و در ساحات کاری ، او را دارای شخصیت کامل و مستقل می شناسد :

وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا  
سوره نساء (32)

«آرزو نکنید مرتبه که برآن برتری داده خداوند بعضی شما را بر بعض شما. برای مردان از آنچه کسب کرده اند بهره ای است و برای زنان از آنچه کسب کرده اند بهره ای است از فضل و کرم و بخشایش خداوند (ج) طلب کنید به تحقیق که خداوند به همه چیز دانا است»

از جمله « وللنساء نصیب مما اکتسبن » آیه فوق دانسته می شود که زنان حق کار را دارند، نه تنها که حق کار دارند بلکه مسؤلیت و مکلفیت فراهم نمودن نفقه و آب و نان را از طرق سالم به قدر توان بشری خویش نیز دارند ؛ زیرا اگر زنان کار نکنند ، به هیچ صورت صاحب ملکیت نیستند. از جمله « وللنساء نصیب مما اکتسبن » دانسته می شود که در قسمت کار کردن زنان مسلمان کدام مانع وجود ندارد. علاوه به آن، زنان باید در رشد و پیشرفت مسایل اقتصادی ، تجارتی ، زراعت و مالداری ، حرفه و ... خانواده و جامعه خویش سهم فعال داشته باشند تا از یک سو مشکلات اقتصادی و در ماندگی خانواده ها و اجتماعات مسلمانان حل شود و از طرف دیگر زنان به عنوان شخصیت های مستقل و خبیردر جامعه عرض وجود کنند و به ظلم و استبداد و ... نقطه پایان بگذارد .

## حق وصیت زن از دیدگاه دین مقدس اسلام

دین مقدس اسلام طوری که برای زنان حق کسب ملکیت و کار را داده است ، همانگونه در وصیت برای آنها اختیار عام و تام داده است تا اموال تحت ملکیت خود مطابق میل و مراد خود تصرف نمایند. بناءً در وصیت زنان هیچ نوع مانع شرعی وجود ندارد. زنان از اموال تحت تصرف خود با در نظر داشت رعایت قواعد وصیت ؛ حق وصیت را دارند.

## حق حضانت و سرپرستی زن از طفل از دیدگاه دین مقدس اسلام

در صورتی که بین زن و مرد تفریق به وجود آید و زن بخواهد که طفل خود را سرپرستی کند ، نفقه و جای بود و باش زن و طفلش به دوش مرد است. مرد مکلف است که اسباب معیشت زن و طفل را به صورت مکمل و معروف تهیه و فراهم کند . این وظیفه به دوش مرد یک امر اختیاری نه ؛ بلکه یک تکلیف شرعی است .

## فصل سوم خشونت علیه زن

در جامعه ما خشونت علیه زنان روبه افزایش است ، پاره از این خشونت ها به نهاد مربوط ثبت می گردد اما اکثریت مطلق زنان که مورد خشونت قرار می گیرند جز تحمل چاره ندارند . خشونت علیه زن در افغانستان اولاً به دو دسته تقسیم می شود :

### 1 - خشونتی که از طرف خانواده ، مستخدمین و کارمندان محلات کار و اجتماع بالای زن تحمیل می گردد.

زنان افغان با در نظر داشت شرایط امنیتی ، وضع علمی و اقتصادی و اخلاقی و ادبی زندگی و کار و مسایل اجتماعی کشور ، در خانه ، محل کار ، اجتماعی و بازار مورد خشونت قرار می گیرند که این خشونت ها به صورت عمده به دو دسته تقسیم شده است :

#### الف - خشونت فیزیکی:

خشونت فیزیکی شامل گرفتن و بستن ، حبس یا زندانی کردن ، توظیف زن به کار های شاقه فوق طاقت انسانی زنان ، چنگ انداختن و لفتدن مو ، اخراج از خانه ، اخراج از کار و وظیفه ، لت و کوب کردن با چوب ، محروم کردن از غذا ، سیلی زدن ، لگد و مشت زدن ، محکم کوبیدن دروازه ، به هم زدن سفره غذا و شکستن اشیاء و ظروف خانه و ...

#### ب - خشونت های روانی :

کار بردن کلمات رکیک و دشنام دادن ، بهانه گیری های جزئی ، سر و صدا های بیجا و رعب آفرین ، بد خلقی ، بی احترامی ، رفتار های آمرانه ، دستور دادن به کار های فوق طاقت انسانی زن ، قهر و صحبت نکردن و ...



این نوع خشونت ها نه تنها از طرف مردان ؛ بلکه توسط زنان بالا دست علیه زنان رده پایین در خانه و محل کار و اجتماع صورت می گیرد . مثل خشونت های مادر شوهر زن یا زنی که آمر اداره باشد و...

## 2 - خشونتی که توسط خود زن بالایش تحمیل می گردد.

این نوع خشونت، شامل خود سوزی ها و فرار از منزل و خود کشی و به ریسمان آویختن و ... می شود . فراموش نباید کرد که این نوع خشونت ها زاده خشونت های است که از طرف خانواده ، مستخدمین و کارمندان محل کار و اجتماع بالای زن تحمیل می گردد و عامل دیگری ندارد.

### عوامل بروز خشونت علیه زنان

هرگاه در باب حقوق زن مطالعات واقعی صورت گیرد ؛ آنچه به نظر من ثابت می شود این است که تمام عوامل بروز خشونت علیه زنان، جزء برنامه های دشمنان دین و سر زمین ما است . دشمنان ما کوشیده اند تا به هر آنچه دین مقدس اسلام مهر بطلان زده است، جامعه اسلامی بپوشانند ، رنگ اسلامی دهند و با استفاده از شرایط ناگوار علمی ، فرهنگی ، اقتصادی و سیاسی جامعه که سه دهه جنگ را تجربه کرده است در اندیشه عامه مردم که بیسواد و از مدنیت به دور بوده اند ، تزریق نمایند . به گونه مثال موارد ذیل :

- بی سواد نگهداشتن زنان .
  - اخذ و غصب عاید مالی زنان.
  - محروم کردن زنان از حق اختیار در امر ازدواج .
  - به ارث بردن زن که شوهرش مرده باشد.
  - زنده به گور کردن دختران .
  - ازدواج های قبل از وقت .
  - تعدد ازواج بی شما.
  - محروم کردن زنان از حق میراث.
- تمام موارد فوق غیر انسانی بوده و با فطرت انسان و اخلاق بشر سازگار نبوده و نیست. تعداد برنامه های بنیادی دین مقدس اسلام زدودن همین موارد بوده خداوند (ج) پیامبر(ص) را مبعوث کرد و قرآن کریم را نازل کرد تا غرض تحکیم انسانیت در جوامع بشری ، در گام نخست زنده به گور کردن دختران و موانع دیگر فرار راه زندگی انسان را که در فوق ذکر شد از بین ببرد ، در حالی که دشمنان جامعه ما بار دیگر کوشیده اند تا همین مسایل را پوشش دینی دهند و وارد عالم افکار و اندیشه های عرفی اما غیر دینی عامه مردم کنند ؛ زیرا شرایط سه دهه جنگ بستر مناسب برای تزریق برنامه های دشمنان دین و سرزمین ما در عالم افکار و اندیشه های عام مردم ما بوده است .

به دلیل فرصت کم ، در ذیل تعداد محدود عوامل بروز خشونت علیه زنان در افغانستان بر شمرده می شود.

## 1- بی سوادى زنان :

جهل و بی سوادى زنان بزرگترین عامل بروز خشونت علیه زنان است ؛ زیرا در صورت نداشتن علم ، زنان حقوق انسانی و اسلامی خویش را نمی شناسند و غالباً تحت تأثیر تبلیغات فریبنده و ژورنالیستیکی دشمنان خانواده مسلمان قرار می گیرند، که در نتیجه منجر به بروز خشونت در خانواده به ویژه علیه زنان می گردد.

## 2 - عدم درآمد و عاید مالی زنان

در افغانستان مردان کار می کنند و نفقه خانواده را به دوش دارند و اختیارات اقتصادی و املاک خانواده را به دست دارند ، خود را صاحب اختیار تمام هست و بود حتی ؛ اختیاردار جان و خون تمام اهل خانواده به ویژه زنان می دانند. بناءً از هیچگونه ظلم و استبداد و بد رفتاری علیه زنان ، دریغ نمی کنند.

## 3- ضعف علمی مبلغین حقوق زن از حقوق انسانی و اسلامی زن

ضعف علمی سر بازان حقوق زن ، باعث بروز شکاکیت و سوء ظن های گوناگون در جامعه علیه نهاد های مدافع و مبلغ حقوق زن شده است. همچنان بر خورد های احساساتی ، غیر عالمانه و غیر عاقلانه مدافعان نا دان حقوق زن باعث فریب تعداد زنان بی سواد گردیده که عمدتاً بروز خشونت های بزرگ را در قبال داشته و حتی منجر به پاشیدن خانواده های مسلمان گردیده است. حال آنکه وظیفه نهاد های مدافع حقوق زن تنظیم امور خانواده و رفع خشونت علیه زنان است ، نه ایجاد جدایی بین زن و مرد و سرگردان کردن زن مسلمان الی مادام الحیات.

## 4 – محروم کردن زنان از حق اختیار در ازدواج

همانطوری که خداوند(ج) برای مرد حق اختیار در امر ازدواج را داده است. همین قسم برای زن حق اختیار در انتخاب شوهر را داده است. سلب حق اختیار زن در انتخاب همسر در حقیقت سرکشی از سیرت پیامبر(ص) است . بناءً هرگاه زن به نکاح مردی درآورده شود که از وی راضی نباشد ، سبب بروز خشونت علیه زن می شود.

## 5- تقلید زنان از برنامه های تلویزیونی غیر قابل تطبیق در جامعه

تقلید زنان در نوع لباس و رفتار و اخلاق و نشست و برخاست، از سریال های که توسط شبکه های تلویزیونی پخش می شود؛ اما با شرایط زندگی، معتقدات دینی و مذهبی، وضع اقتصادی و علمی جامعه ما همخوانی ندارد، صد در صد هنجار شکن است و شاخص ترین عامل بروز خشونت علیه زن به حساب می آید.

## 6- تبلیغ عنعنات ضد دینی

مبلغین بی علم و عمل که به خاطر برآورده شدن خواست ها و هوا و هوس های شخصی و فراهم نمودن زمینه مشهور شدن و افتخار نفس خود در جامعه مذهبی دربین زنانی که از حقوق دینی و مذهبی خود آگاهی چندانی ندارند، تبلیغاتی را به راه انداخته اند که سبب انحراف تعداد انگشت شمار زنان در باور و عمل شده است و در جامعه سنتی - دینی قابل تطبیق نیست که در نتیجه منجر به بروز خشونت های خانوادگی شده است.

## 7- به ارث بردن زن که شوهرش مرده باشد

افغانستان کشور جنگ زده ای است. همه روزه از سر و روی این مرز و بوم خون فواره می کند. بیشترین قربانیان این حوادث مردان بی دفاع و غریب کار هستند که همسران و خانواده های شان را دست زیر الاشه به ماتم می نشانند. عرف و عنعنات غیر دینی در این کشور طوری بوده و است که زنان بیوه را وارثین شوهرش مانند مال و متاع به ارث برند. به ارث بردن زنان بدون رضا و خواست شان خشونتی است بالای خشونت که قبلاً اتفاق افتاده است. طوریکه در بحث « حق اختیار زن در امر نکاح » توضیح داده شد، به ارث بردن زنان بدون رضای نفس شان و نکاح اجباری؛ قطعاً حرام است.

## 8- خون بها دادن دختران

عرف نامائوس جامعه ما طوری بوده که هر گاه مردان خشن مرتکب قتل شده اند محاکم صحرایی دختر یا خواهر و ... قاتل را به وارثین مقتول به نکاح داده اند. این امر غرض حل منازعات قومی روی کار آمده است. در حالی که تجربه نشان داده است زنانی که خون بها داده شده اند الی مادام الحیات در شکنجه و آزار بوده اند و هیچگاهی دم راحت نداشته اند.

## 9- محاکم صحرایی

افراد مسلح غیر قانونی و ناراضی از دولت محاکم صحرایی را به اصطلاح خود شان (غرض تحکیم شریعت اسلام) احیا می نمایند. مفتیان و قضات محاکم صحرایی غالباً افراد نا آشنا با شریعت مقدس اسلامی اند. آنان با سوء استفاده از لباس علما و وارثین پیامبر (ص) دست به نوشتن فتوا های می برند که در دین مقدس اسلام جای پا ندارد؛ زیرا شریعت مقدس اسلام هیچگاه بستر مناسب برای آزار و اذیت هیچ موجود عالم هستی نبوده و نیست.

## 10- ازدواج های قبل از وقت

ازدواج های قبل از وقت که غالباً توسط اولیای اطفال صورت می گیرد ، نتایج نامناسب در پی داشته است. فقه اسلامی حق ازدواج اطفال را برای اولیای آنها در صورتی داده است که اولیای محترم توان سنجش خیر زندگی آینده اطفال را داشته باشند. در شرایط کنونی تشخیص و تضمین آینده خوب و بی جنجال برای اطفالی که از طرف اولیای شان به نکاح داده می شوند تقریباً ناممکن است ؛ زیرا تجربه به اثبات رسانیده است ، اطفالی که قبل از بلوغ توسط اولیاء شان به نکاح داده شده اند ، بعد از بلوغ تصمیم اولیای خویش را در امر نکاح خود ؛ خیانت به سرنوشت خود عنوان نموده که منجر به خشونت علیه زن و در نهایت طلاق یا در مواردی هم قتل زن را در پی داشته است .

## 11 - تقلید مبلغین حقوق زن

تعداد مبلغین حقوق زن که ظاهراً دموکرات و فعال می نمایند؛ اما در عرصه عمل ثابت کرده اند که به لحاظ علمی ضعیف اند ؛ زیرا مواد برنامه های تبلیغاتی آنها از بنیاد ، تقلید از تبلیغات نا آشنا با معتقدات دینی مردم مسلمان این مرز و بوم است. تزریق آن اندیشه ها علاوه به اینکه هیچ باری را از دوش سبک نمی کند ؛ ضرر آفرین هم است و باعث بروز خشونت علیه زنان می شود.

## 12- تسلط کلی مردان در امور مالی خانواده و جامعه

در جامعه فقیر افغانستان ، نان آور خانواده معمولاً مردان هستند. بناءً در طول تاریخ کوشیده اند که در تمام امور و مسایل مالی خود را مسلط نمایند و از این ناحیه نیز علیه زنان از اعمال خشونت دریغ نمی نمایند.

## 13- تعدد ازواج

تعدد ازواج یکی دیگر از عوامل بروز خشونت علیه زنان است ؛ زیرا تعدد ازواجی که در جامعه ما معمول است ، با تعدد ازواجی که در اسلام جایز پنداشته شده است ، در تطابق نیست چرا که در اسلام هدف از جواز تعدد ازواج تعیین سرپرست و حل مشکلات امور خانوادگی ، اجتماعی و اقتصادی زنان است که همسران شان را در راه خدا (ج) از دست داده اند ، اما تعدد ازواج معمول در جامعه ما از باب خوشگذرانی مردان پولدار و صاحب قدرت است .

## 14 - عدم مجازات عناصر خشونت زا

سهل گیری ارگان های کشفی ، عدلی و قضایی کشور با افراد و اشخاص خشونت زا ، سبب مضاعف شدن موارد خشونت علیه زنان می شود. سهل گیری ارگان های ذیربط درچنین موارد برای افراد خشن و نا آشنا با انسانیت جرأت غیر اخلاقی می دهد تا بیشتر از پیش دست به آبرو و حیثیت زنان بی دفاع ببرند.

## 15- عدم ثبت ازدواج ها به محاکم

ازدواجی که در نتیجه « بد دادن » به وجود می آید و ازدواج های قبل از وقت و ازدواج های که در نتیجه احساسات طرفین و یا فرار صورت می گیرد ؛ در حقیقت محصول « عدم ثبت ازدواج ها به محاکم » است زیرا قوانین نافذ کشور طرفین عقد ازدواج را مکلف نساخته است که ازدواج خویش را به محاکم ثبت نمایند ، قوانین نافذ کشور ثبت ازدواج را یک امر اختیاری عنوان نموده است .

## 16- پول جمع کردن مبلغین حقوق زن

نهادهای مدافع حق زن تنها تطبیق پروژهها و رسیدن به اهداف مادی را رسالت خود می دانند ؛ زیرا قلباً خواهان اعاده حیثیت و حقوق زن و رهایی زن از معضلات کنونی نیستند. هیاهوی به پامی کنند و سیمینارهای یک بار مصرف برگزار می کنند تا پول جمع کنند.

## 17 – فعالیت های یک جانبه سربازان حقوق بشر

نهادهای مدافع حقوق بشر تاکنون تنها در جستجوی راه حل های مشکلات زنان بوده و هستند و تمام فعالیت های آنان یک جانبه و ناقص بوده است. اکثر فعالیت های این نهادها یا به صورت عمدی و یا از روی نادانی ، تنها به قشر اناث جامعه متعلق است. برای مردان که قدرت و اختیارات مالی و سیاسی جامعه را در دست دارند ؛ اما به دلیل عدم آگاهی از رسالت انسانی خود در برابر زن و خانواده ، خشونت زا هستند ؛ هیچگونه برنامه آموزشی - بنیادی روی دست ندارند.

## 18 – برنامه های میان تهی و لنگ مدافعان حقوق زن

برنامه های تبلیغاتی و آموزشی نهادهای مدافع حقوق زن ، تاکنون میان تهی و لنگ بوده است. زیرا سازمان های حامی حق زن در مواد آموزشی خود تنها ، مطالبی را چاپ می کنند که زنان کم سواد افغانستان را فقط به حق خواستن انگیزه می دهند ، وظیفه شناسی و مسئولیت پذیری که بخش دیگری برنامه های آموزشی را باید تشکیل دهد ؛ در برنامه های آموزشی و تبلیغاتی این نهاد ها جای پا ندارد در حالیکه حق و وجیبه حیثیت دو رخ یک سکه را دارند هر جای که حق تحقیق یابد ، خواسته و ناخواسته وظیفه و مسئولیت را در قبال دارد .

## 19 – پشت پازدن زنان به مسئولیت های انسانی

سطح دانش زنان در جامعه ما پایین ، زنان بی سواد به محض شنیدن بخش حقوق خود از زبان مردان که اکثراً با حقوق و وظایف زنان نا آشنا هستند ؛ به وظایف ، ملکیت ها و مسئولیت های انسانی خود در خانه و جامعه پشت پا می زنند و ترک مسئولیت می کنند ، که در غایت به خشونت می انجامد.

## 20 - ایجاد مراکز ویژه (خانه امن) برای زنان فراری

هر چند خانه امن برای زنانی که فرار می نمایند و بی سرپناه اند در کوتاه مدت سرنوشت ساز بوده و از تحمیل خشونت های احتمالی زود رس پیشگیری می نماید؛ اما در عین حال عامل قوی تشویق عده ای کثیر زنان تحت شکنجه و آزار و اذیت و در موارد زنان بولهبوس و بلند پرواز اما بی سواد برای فرار از منزل، ثابت شده است.

## فصل چهارم

### راه حل های مشکلات حقوق زنان

راه های رفع خشونت علیه زنان به مراتب بیشتر از عوامل بروز خشونت علیه زنان است. آنچه در ذیل می خوانید راه های است که در ذهن من آمده است و قطعاً از آنچه انتظار می رود کمتر است.

### 1- معرفی حقوق انسانی و اسلامی زنان برای زنان

سر بازان دموکراسی که اکثراً مردان هستند، حقوق زنان را مطابق خواست ها، خواهشات و آرزو ها و احساسات مردانه خود تبلیغ می کنند. پروای آنها ندارند که این اندیشه ها با عرف و عنعنات و اصول اعتقادی مردم در توافق است یا در تضاد؟! بناءً اگر هدف از تبلیغات حل مشکل است، با تبلیغ حقوق زن نباید بر خورد ژورنالیستیکی شود؛ بلکه تبلیغ کردن حق واقعی زن برای زنان آموختانده شود!

### 2- پابندی زنان مبلغ حقوق زن از تفکر تا عمل به اصول اخلاقی اسلام

در مواردی دیده شده است که زیاده روی های نامعقول زنان مبلغ حقوق زن؛ باعث بروز خشونت علیه زنان شده است؛ زیرا در جامعه سنتی ما پشت پا زدن به اصول اعتقادی برای زنان این جامعه (که اکثریت مطلق سنتی اند) قابل قبول نیست. همچنان برای مردان این مرز و بوم که در حال حاضر به تمام امور خانواده - جامعه مسلط اند قابل قبول نیست. بناءً راه مناسب محو خشونت علیه زنان، شناسایی و تبلیغ و عمل به اصول است که اسلام به زن داده است.

### 3- تعلیم و تربیه زنان

تعلیم و تربیه و با سواد شدن عموم زنان و استخدام زنان در ادارت کلیدی حکومتی سبب محو خشونت علیه زنان می شود؛ زیرا تا وقتی که جهل و بی سوادی در جامعه حاکم باشد، قدرت از

خانواده تا اداره در دست مردان است. در این صورت امحای خشونت امر غیر ممکن به نظر می رسد.

#### 4- تبلیغ علمای عالم

روحانیون عالم از طریق منابر و مساجد می توانند اذهان عامه را در زمین ه رعایت حقوق زن و ادای تکالیف مردان نسبت به مادران ، خواهران و همسران شان آگاه و روشن نمایند.

#### 5- حمایت و پاسبانی واقعی قوای ثلاثه از قانون منع خشونت

##### علیه زن

زمانی که قوای مقننه و قضائیه کشور در زمینه اغنای قانون منع خشونت علیه زنان توجه مسولانه نمودند و قوه مجریه کشور در پاسبانی و تطبیق قانون منع خشونت علیه زن صادق و متعهد شود ، بستر خشونت علیه زن در جامعه از بین می رود.

#### 6- ایجاد زمینه کار برای زنان

ایجاد شغل مطابق توان بشری و استعداد زنان که در تضاد با سنت های حاکم در جامعه نباشد ، در راستای تأمین انسانیت در جامعه مؤثر بوده و است؛ زیرا رفع نیاز های زنان و سهمگیری زنان برای تأمین نفقه خانواده ، جلوی اضافه روی های مردان را گرفته و در نهایت باعث کاهش خشونت در خانواده و جامعه می شود.

#### 7- گسترش حاکمیت عادل در سراسر کشور

گسترش حاکمیت قانون و عدالت ، از شهر ها تا به دهات و قصبات دورافتاده ، در راستای رفع خشونت علیه زنان بیشتر از آنچه تصور می شود ، تأثیر دارد؛ زیرا حضور حاکمیت اما مشروع و صادق و مومن و متعهد در اندیشه های خابین رعب و ترس می آفریند و وضعیتی را به وجود می آورد که هیچگاه در ساحة نظام، مرتکب اعمال نامشروع نشوند .

#### 8- محاکمه علنی عاملین خشونت علیه زنان

افراد و عناصری که عالمانه یا جاهلانه مرتکب خشونت علیه زنان می شوند ، محاکم باید از شرشان نگذرد و جزای لازم و قانونی را بالای شان به صورت علنی و عملی تطبیق کند تا پندی برای خود شان و عبرتی برای دیگران شود.

## 9- جلوگیری از ازدواج های قبل از وقت

طوری که در فصل اول در بحث «حق آزادی زنان در ازدواج» توضیح داده شد ، باید از ازدواج های قبل از وقت پیشگیری شود و از ازدواج اطفال که به سن بلوغ نرسیده اند خود داری صورت گیرد ؛ زیرا ازدواج های قبل از وقت همیشه نتایج تلخ به دست داده است. از همین جهت نه انسانی است و نه اسلامی .

## 10 – پیشگیری از « بد دادن دختران»

تجربه نشان داده که بدترین نوع خشونت علیه زنان « بد دادن دختران» است؛ زیرا در این صورت هیچ نوع رفتار انسانی نسبت به دختر که به « بد داده شده است » صورت نمی گیرد.

## 11- جلوگیری از محاکم صحرائی

محاکم صحرائی از طرف افراد مسلح غیر قانونی و ناراضی از حکومت تشکیل و حمایت می شوند. از وجود چنین محاکم نامشروع باید جلوگیری شود ؛ زیرا قضات این محاکم اکثراً افرادی اند که با متون شریعت اسلامی کمتر آشنایی دارند و مرتکب اشتباهاتی می شوند که جبران ناپذیراند .

## 12 - ثبت ازدواج در محاکم

ثبت ازدواج در محاکم از جمله مهمترین راه های محو خشونت علیه زنان است؛ زیرا هنگامی که زوجین غرض ثبت ازواج خویش به محکمه مراجعه کنند ، در صورتی که زوجین به سن قانونی نرسیده باشند و یا پای « بد دادن » و یا « فرار» در میان باشد و غیره . اولاً از طرف محکمه به عنوان یک عقد مشروع ثبت نمی شود و ثانیاً چنین قضایای از طرف قضات مورد پیگرد قانونی قرار گرفته و از خشونت های احتمالی بعدی خود به خود جلوگیری می شود.

## 13- پیشگیری از تعدد ازواج

دین مقدس اسلام امر ازدواج بایک زن را نموده است . اما نکاح تا چهار زن را جایز پنداشته است ؛ زیرا دین مقدس اسلامی تعدد ازواج را به خاطر سرپرستی زنان و خانواده های جایز پنداشته است که شوهران و سرپرستان خویش را از دست داده اند ، ( نه بخاطر خوشگذرانی مردان پولدار) آنهم به شرطی که عدالت در حق همه شان یک سان رعایت شود ، در حالی که رعایت حقوق زنان متعدد که در عقد ازدواج یک مرد درآمده باشند ، در جامعه ما که فقر اقتصادی و ضعف علمی و ... در آن بیداد می کند ، غیر ممکن است. بناءً غرض پیشگیری از بروز خشونت علیه زنان باید از تعدد ازواج تا حد امکان جلوگیری شود.



**14 – تأمین امنیت :** امنیت از جمله شاخص ترین راه های پیشگیری رفع خشونت علیه زنان به حساب آمده ، هرگاه امنیت در جامعه تأمین شود به صورت اغلب مشکلات خشونت علیه زنان حل می شود.

## نتیجه گیری!

مباحث پیرامون حقوق زن در افغانستان جنجال برانگیز و خبر ساز است . حتی بحث «حقوق از دیدگاه اسلام» نظریات مختلف از اندیشه های مختلف سر برون می آورد و مایه خوشبختی یکی و منبع بدبختی دیگری می شود ؛ زیرا اکثر نظریات اساس و پایه دینی نداشته از دل انسان بر می خیزد و به زبان انسان می نشیند . تعدادی از انسان ها جاهلانه و در موارد عالمانه باور های احساسی و شخصی خود را جامعه اسلامی می پوشند که به جای گشودن گره از کار در ماندگی می آفرینند.

اگر بناست که زنان مسلمان جامعه ما به حقوق انسانی خویش برسند و به خشونت ها - اختلاف نظر ها نقطه پایان گذاشته شود ، نخست باید به منبع رفع خشونت ها مراجعه شود که همانا قرآن است ؛ زیرا مسأله حقوق زن در جامعه ما حتی میان علم ا تنازعات فکری آفریده است. مرجع حل منازعات قرآن کریم است . خداوند(ج) فرموده است : «فإن تنازعتم فردواهُ الى الله ورسوله»، «هرگاه درمسئله ای منازعه نمودند ؛ برای حل آن به قرآن کریم و حدیث نبوی مراجعه کنید»

بنائاً یگانه راه حل منازعات فکری در همه امور به ویژه در موضوع بحث حاضر مراجعه به منابع دین مقدس اسلام است ؛ زیرا اسلام همه حقوق را که سبب سعادت دارین زنان می شود برای زنان داده است و در مباحث بالا طور مختصر توضیح داده شده است. در غیر آن خشونت ها علیه زنان همچنان که تاحال دامنگیر جامعه ما بوده ؛ بعد از این هم خواهد بود.

## فهرست مآخذ

- 1- قرآنکریم .
- 2- مشکوٰۃ المصابیح 1 .
- 3- صحیح البخاری .
- 3- زیدان      دکتر عبدالکریم      اصول دعوت      مومن حکیمی      1388
- 5- قرضاوی      دکتر یوسف      دور نمای جامعه اسلامی      عبدالعزیز سلمی      1387
- 6- نائیک      دکتر ذاکر      زن مسلمان      محسن مهاجر      1387
- 7- شریعتی      دکتر علی      زن (فاطمه فاطمه است      1383
- 8- قرضاوی      دکتر یوسف      فتوای فقهی معاصر 2      دکتر احمد
- 9- تریز      عبدالرشید      طلاق از دیدگاه اسلام      1385
- 10- زحیلی      دکتر وهبه      فقه خانواده      عبدالعزیز سلیمی
- 11- الجدع احمد      اسوه های راستی برای زن مسلمان      عبدالصمد مرتضوی